

با سلام و درود فراوان به آقای شهبازی عزیز و عاشقان گنج حضور

اژدها و خرس

اژدهایی خرس را در می کشید
شیرمردی رفت و فریادش رسید
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۹۳۲

ما در طول زندگی، همانندگی‌های فراوانی جمع کردیم که به مرور زمان تبدیل به یک اژدهای عظیم شد و هشیاری حضور ما را بلعید. زیرا ما با این همانندگی‌ها از خدائیت خودمان فاصله گرفتیم. حتی عبادات مان هم تحت تاثیر همانندگی‌ها انجام گرفت. با می‌دانم‌های خودمان به جای استفاده از خرد زندگی از خرد من ذهنی استفاده کردیم. به همین خاطر نیروی کشنده اژدهای همانندگی‌ها، به مرور زمان ما را از پای درآورد. خسته و فرسوده کرد. شاید بارها از خودمان سوال کرده باشیم کجای کارم اشتباه بوده؟ من که نظم و دقت و به قول آقای شهبازی عزیز پارک من ذهنی منظمی داشتم پس ایراد کار کجاست؟

کم کم بعد از این همه که خودمان را به در و دیوار همانندگی‌ها زدیم، زخمی و خسته شدیم. سپس لنگ لنگان شروع به جستجو کردیم و بعد از جستجوهای فراوان، خداوند دری به نام گنج حضور به روی ما باز کرد. شاید در اوایل با معانی کلمات آشنا نبودیم، ولی به مرور و در اثر گوش دادن با آنها آشنا شدیم. ابیات مولانا یاد گرفتیم. بعضی وقتها آنها را خواندیم و بعضی وقتها آنها را نخواندیم. بعضی وقتها نکته برداری دقیق از برنامه گنج حضور کردیم و سعی کردیم آنها را درک کنیم و در زندگی پیاده کنیم.

کم کم من ذهنی ما تبدیل به یک خرس مودب شد. خرس مودب یعنی چه؟ یعنی من ذهنی مودب. من ذهنی که هنوز در هشیاری جسمی هست. فقط به خورده ابیات کلیدی یاد گرفته، فکر کرده دیگه دانشمند شده و زندگی خوبی دارد و نیازی نمی‌بیند که باید به طور مستمر روی خودش کار کند.

اما این خرس مودب، با اینکه بعضی نکات کلیدی را یاد گرفته، ولی هم چنان در دهان اژدهای همانندگی‌ها مثل مسئله‌سازی‌ها، دشمن‌سازی‌ها، مانع‌سازی‌ها اسیر هست. در این حال، آن شخص با خرس مودبش به خواب غفلت فرو می‌رود. ولی هر لحظه یک مگس یا همانندگی روی سر او وزوز می‌کند. حمله می‌کند. نیش می‌زند. اما خرس مودب، سعی دارد آن مگس یا همانندگی از شخص دور کند.

اما بی‌فایده هست، چرا؟ زیرا نمی‌تواند با خرد زندگی آن همانندگی را شناسایی کند و از خرد من ذهنی استفاده می‌کند. در نتیجه خشمگین می‌شود و سنگی بزرگ بر می‌دارد و به مگس می‌زند، اما به جای مگس، صورت آن شخص را خرد می‌کند. خشم، خودش یک همانندگی است و زمانی اتفاق می‌افتد که از دایره خرد زندگی دور شده باشیم. یعنی انقباض، فضا بندی، ناظر ذهن نبودن، نداشتن صبر، پرهیز، و.....

خرس چون فریاد کرد از اژدها
شیرمردی کرد از چنگش رها
-مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۱۹۷۰

راه فضاگشایی و استفاده از خرد زندگی، برای کسی که عمری با ذهنش کار کرده دشوار است، اما با استفاده از آموزه‌های شیر مردانی چون مولانا و غیره، کنار گذاشتن تنبلی و به طور مستمر روی خود کار کردن امکان پذیر هست.

با سپاس فراوان

-لیلا از شیراز